

■ گفت و گو

تنظیم گفت و گو: جهان یوسف پور

عدالت اجتماعی آموزشی

پای صحبت دبیران و محققان علوم اجتماعی مشهد مقدس

اشاره

بررسی وضعیت علوم اجتماعی در استانها و

شهرستانها: یکی از اهداف مهمی است که مجله رشد

آموزش علوم اجتماعی تعقیب می کند. در برنامه های

تدوین شده بررسی جامعی از منظر مدرسان، دبیران،

مدیران و اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی در هر استان

را ارائه خواهیم داد.

در این نوبت با آقای طیرانی و خانم صدقی از

دبیران و محققان علوم اجتماعی به گفت و گو نشستیم.

و عدالت آموزشی و عدالت اجتماعی را موضوع این

گفت و گو قرار داده ایم.

● **لطفاً دغدغه‌های خود را به‌عنوان بخشی از آموزش‌های علوم انسانی در رابطه با عدالت اجتماعی، اقتصادی و آموزشی بفرمایید.**

صدقی: در وضعیت کنونی به رشته علوم انسانی از جهاتی بها داده می‌شود، ولی کامل و همه‌جانبه نیست و مقطعی است. اگر برای رشته علوم انسانی برنامه‌ریزی اصولی، پایه‌ای و دقیق داشته باشیم، فکر می‌کنم در بحث عدالت اجتماعی و بحث‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و حل معضلات اجتماعی جامعه خیلی می‌توانیم جلو باشیم. یعنی واقعاً می‌توانیم جامعه سالمی را پرورش دهیم. چون خیلی از مسائل اجتماعی ما مربوط به رشته علوم انسانی است.

دانش‌آموزان ما در رشته‌های مهندسی یا پزشکی باید مهارت‌های زندگی و رفتارهای درست را یاد بگیرند. اصلاً در آینده، هر کس هر شغلی دارد، برای آن که دلسوز و خدمت‌گزار جامعه باشد و برای طبقه محروم کار کند، نیاز است که در زمینه علوم انسانی و مسائل اجتماعی قبلاً آموزش دیده باشد. فکر می‌کنم بعضی دروس رشته علوم اجتماعی برای دانش‌آموزان رشته‌های ریاضی و تجربی ما خیلی لازم هستند. جای علوم انسانی در رشته‌های دیگر خالی است.

● **آیا شما عدالت آموزشی را نسبت به علوم انسانی ضعیف می‌بینید؟**
صدقی: عدالت آموزشی نسبت به علوم انسانی ضعیف است. اصلاً این رشته برای جامعه ما شناخته شده نیست.

● **شما به‌عنوان یکی از مدیران اجرایی مجموعه علوم انسانی، چه سیاست‌های کلانی را توانسته‌اید به‌خوبی در حوزه علوم انسانی اجرا کنید؟**

صدقی: سیاست‌هایی به ما ابلاغ شده‌اند که ما براساس آن سیاست‌ها عمل کرده‌ایم. امسال تاکنون در ناحیه ما همایشی برگزار نشده است. اگر سال‌های قبل همایش‌ها خیلی زیاد اجرا می‌شدند، ولی امسال همایشی نبوده است. الان ما همایش «خراسان بزرگ»، یعنی خراسان قدیم را در سطح استان برگزار می‌کنیم و فرهنگ‌ها، سنت‌ها، مراسم، اسطوره‌ها و باورهای خراسان را نشان می‌دهیم. البته قبلاً هم این کار را تحت عنوان نمایشگاه و جشنواره فرهنگ عامه انجام داده‌ایم.

● **آیا توانسته‌اید در جامعه نسبت به علوم انسانی تغییر نگرش ایجاد کنید؟**

صدقی: فکر می‌کنم که دست‌های ما خیلی صدا ندارد، با این حال تلاش خود را می‌کنیم. نیاز است که همه دست‌به‌دست هم بدهیم. دیگران هم باید به کمکمان بیایند و حمایتان کنند، به‌خصوص دانش‌آموزان در یک برنامه صبحگاهی، دانش‌آموزان خودشان با خودشان مصاحبه داشتند و از هم می‌پرسیدند که آیا از تحصیل در رشته انسانی رضایت داری؟ یکی گفت: من رضایت دارم، ولی احساس می‌کنم در خانواده و فامیل، به یک دید دیگری به من نگاه

می‌کنند. غالباً می‌پرسند که چرا با معدل ۱۵ به رشته انسانی آمده‌ای. یعنی دیدگاه جامعه باید عوض شود. الان من احساس می‌کنم سال به سال بچه‌های پایه اول ضعیف‌تر از سال قبل هستند و این خیلی بد است. متأسفانه دانش‌آموزان قوی به غیررشته‌های علوم انسانی می‌روند.

● **آقای طیرانی، در دبیرستانی که شما مدیر فعال هستید، آموزش متمرکز است یا غیرمتمرکز؟**

طیرانی: مدارس من و خانم صدقی، مدارس نمونه فرهنگ هستند. در سراسر کشور، مدارس نمونه فرهنگ، برنامه آموزشی یکسانی دارند. به‌علاوه، هر هفته بین چهار تا هشت ساعت کلاس فوق‌برنامه داریم که مدیر تصمیم می‌گیرد در این کلاس‌ها چه محتوای آموزشی مطرح و تقویت شود. مثلاً ما در مدرسه برای پایه‌های دوم و سوم انسانی درس روش تحقیق داشتیم. این درس یک حیطه نسبتاً باری دارد؛ از طرح سؤال تا برگزاری کلاس.

بنابراین نمی‌شود گفت که آموزش ما متمرکز است. البته ما تابع دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش هستیم، ولی می‌توانیم کلاس‌هایی در ساعات متفاوت داشته باشیم. عرض کردم که می‌توانیم به بعضی از درس‌ها ساعت را اضافه کنیم و یا درس جدیدی را ارائه دهیم.

● **ترویج علوم انسانی در جامعه طوری است که دست و پای شما را بسته است؟**

طیرانی: همان‌طور که خانم صدقی نیز اشاره کردند، مشکل ذهنیت نامناسب مردم در مورد رشته انسانی است. مثال آن همین است که دانش‌آموز دارای معدل ۱۵، چرا به رشته انسانی آمده است و چرا به رشته دیگری نرفته است. این مشکل در مدارس پسرانه خیلی جدی‌تر است.

● **شما به‌عنوان یک مدیر در این حوزه چه کرده‌اید؟**

طیرانی: ما برای این‌که بتوانیم نگرش مردم را تغییر دهیم، اول باید این نگرش را با دقت شناسایی کنیم، چون با تبلیغ کار به جایی نبرده‌ایم. مثلاً، از فعالیت مدرسه ما پنج سال می‌گذرد. از دو سال پیش سعی کرده‌ایم محصول خوب ارائه کنیم و وقتی سیستم ما خروجی خوبی داشته باشد، مردم به سراغ رشته علوم انسانی می‌آیند. حال بخشی از کار برعهده ماست و کارمان را انجام داده‌ایم. مثلاً به‌دنبال تقویت پایه پیش‌دانشگاهی مان بوده‌ایم و عرض کردم که در دو سال گذشته، رشد قبولی در رتبه‌های بالای دانشگاه تقریباً بیشتر از صد درصد بوده است.

● **مگر گروه‌های مهندسی، پزشکی، تجربی یا گروه‌های غیرعلوم انسانی همه محصولاتشان خوب بوده‌اند که شما به‌دنبال محصول خوب در رشته علوم انسانی هستید؟**

طیرانی: ببینید، جاذبه همان محصولات خویشاں بیشتر بوده است. شما فرض کنید که دانش آموزی با رتبه مثلاً زیر هزار به دانشگاه تهران برود و تاریخ بخواند و دکترا بگیرد که به هر حال جاذبه مالی آن نسبت به رشته‌های مهندسی در بیرون مدرسه است. ما فکر می‌کنیم، اگر روی جاذبه‌های رشته‌های علوم انسانی کار کنیم و جنبه‌های کاربردی آنها را نشان دهیم، به نتیجه خوبی می‌رسیم. مثلاً در نگرش مردم در ارتباط با مسائل جامعه‌شناسی اشکالاتی وجود دارد. خیلی از مردم، پول مبلمان خانه‌شان از پول لوازم بهداشتی که مصرف می‌کنند، خیلی بیشتر است.

یا مثلاً خانمی هفته‌ای یک‌بار به آرایشگاه می‌رود و فلان قدر پول می‌دهد، اما مسواکش را شش ماه یک‌بار هم عوض نمی‌کند. اینها کاربردهای جامعه‌شناسی هستند که می‌شود مطرح کرد. باید این موارد را مطرح کرد تا نگرش مردم نسبت به مسائل اجتماعی تغییر کند. وقتی نگرشها تغییر کنند، خودبه‌خود ارزشها و موارد وابسته به آنها هم تغییر می‌کنند. من فکر می‌کنم رشته‌های علوم انسانی،

ما الان دانش آموزانی داریم که در طول تحصیل به اصطلاح امکان رفتن به هر رشته‌ای را داشته است و با علاقه به رشته انسانی آمده و نگرش هم واقعاً تغییر کرده است. تمام کسانی هم که او را می‌شناسند، به این باور رسیده‌اند

به‌خصوص رشته‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، می‌توانند خیلی از معضلات ما را حل کنند. امسال سال جهاد اقتصادی نام‌گذاری شده است. در این زمینه رشته جامعه‌شناسی خیلی می‌تواند کمک کند. شما مثلاً فرض کنید در خانه مبلمان دو سال یک‌بار عوض می‌شود؛ اما برای خرید دو کتاب، دو جزوه و دو روزنامه هزینه نمی‌شود.

● شما توانسته‌اید نگرش دانش آموزانتان را بعد از ورود به علوم انسانی و همچنین در نوع رفتارهایشان در نوع انتقادهایشان و وارد شدن به عرصه اجتماع به صورت مطلوب، تغییر دهید یا می‌توانید اینکار را در حوزه علوم انسانی بکنید؟

طیرانی: ما در مدرسه خودمان تا حدی این کار را کرده‌ایم، ولی بیرون از مدرسه ممکن است خیلی کاربرد نداشته باشد. ما الان دانش آموزانی داریم که در طول تحصیل به اصطلاح امکان رفتن به هر رشته‌ای را داشته است و با علاقه به رشته انسانی آمده و نگرش هم واقعاً تغییر کرده است. تمام کسانی هم که او را می‌شناسند، به این باور رسیده‌اند.

دانش آموز دیگری در سال سوم داریم که از ۱۸ مهرماه مریض شد و نتوانست به طور مرتب به کلاس بیاید. ما به دلیل ویژگیهای

رفتاری و شخصیتی او، گفتیم که مشکلی نیست و هر وقت می‌خواهی بیا. او اخیراً شاگرد اول کشوری شد. این موضوع نشان می‌دهد که او به رشته تحصیلی‌اش علاقه داشته و عاشق آن بوده است. یعنی نگرشش نسبت به رشته انسانی به قول معروف در رفتارش نهادینه شده است.

من فکر می‌کنم آدم‌های موفق کسانی هستند که آخر زندگی‌شان خوب باشد. این که در طول زندگی به کجا رسیده، خیلی مهم نیست. این مهم است که بالاخره پایان خوبی داشته باشیم. این موضوع نشان می‌دهد که دانش آموز به رشد نسبی رسیده است. حال باید صبر کرد و دید، این آدم چه قدر می‌تواند در جامعه مؤثر باشد.

ما اگر بتوانیم در سال پنج شاگرد مثل او تربیت کنیم؛ باید مدرسه را سرپا نگه داریم.

● آیا علوم انسانی در آموزش مهجور واقع شده است؟

طیرانی: تمام افراد جامعه، چه بخوانند چه نخواهند، چه آموزش ببینند و چه آموزش نبینند، با علوم انسانی درگیر هستند و علوم انسانی زیاد مهجور واقع نشده، اما در آموزش مهجور واقع شده است.

● شاگردان شما وقتی به آموزشگاه شما می‌آیند، آیا خودشان و خانواده‌شان میل بیشتری به علوم انسانی پیدا می‌کنند؟

صدقی: در پایه اول همان‌طور که می‌دانید، درسها عمومی هستند. بعد می‌بینیم بعضی دانش‌آموزان خیلی زرنگ هستند و ریاضی آنها قوی است. همکاران ما، با این که من می‌گویم دانش‌آموزان را به تحصیل در علوم انسانی تشویق کنید، می‌گویند ما نمی‌توانیم با آینده آنها بازی کنیم. به دانش‌آموزی که استعدادش خیلی خوب است و می‌تواند در رشته‌های ریاضی و تجربی تحصیل کند، نباید بگوییم به رشته انسانی بیاید. یعنی دیدگاه حتی معلمین ما و مخصوصاً معلمان ریاضی ما فیزیک، شیمی و زیست ما در پایه اول این گونه است.

ببینید این اشکال نظام آموزشی ماست. در پایه اول، دانش‌آموزان ما فیزیک، ریاضی، شیمی و زیست‌شناسی می‌خوانند. بعد در همین مدرسه به سال دوم می‌آیند و باید رشته انتخاب کنند. در رشته انسانی تمام این درسها حذف می‌شود و دانش‌آموزی که در سال اول درسهای فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی برایش جذابیت دارد، می‌بیند از آنها محروم شده است.

● مگر همه این رفتارها در حیطه مدیریتی شما نیست؟

صدقی: ببینید، بیشتر وقت دانش‌آموزان ما، سر کلاسها و با دبیران صرف می‌شود. دبیران خوب فیزیک به مدرسه ما نمی‌آیند. می‌گویند اولاً ما در پایه سوم و پیش‌دانشگاهی درس می‌دهیم، ثانیاً دانش‌آموزان رشته انسانی در درسهای ریاضی و فیزیک ضعیف

- تمام افراد جامعه، چه بخواهند چه نخواهند، چه آموزش ببینند و چه آموزش نبینند، با علوم انسانی درگیر هستند و علوم انسانی زیاد مهجور واقع نشده، اما در آموزش مهجور واقع شده است

بگیریم و به روز کنیم و در کتابهایمان بیاوریم.

در مورد دبیران موضوع فرق می‌کند. ممکن است دبیری بتواند موضوعی مثل عدالت اجتماعی را در سطح جامعه مطرح کند یا نتواند بکند. اگر کسی تخصص لازم را داشته باشد، می‌تواند این کار را بکند.

● شما به عنوان مدیر یک مجتمع آموزشی در حوزه علوم اجتماعی خودتان بیشتر روی کدام یک از کتابها مسئله دارید در کدام پایه و چه کتابی فکر می‌کنید چه کاستی‌هایی در آن کتابها وجود دارد؟

طیرانی: من فکر می‌کنم در حوزه روان‌شناسی، به خصوص در محتوای کتاب روان‌شناسی سال سوم باید بازنگری اساسی بشود. در حقیقت باید بتوانیم محتوای بومی تولید کنیم. به خصوص در حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی می‌توانیم تولید محتوا داشته باشیم. به جای این که مثلاً فقط ادبیات را بررسی کنیم، نظریات جامعه‌شناسان و روان‌شناسان خودمان را که داشته‌ایم، به روز کنیم و در محتوای کتابهای درسی بیاوریم.

● آیا بیرون از زمان مدیریتی خود در مدرسه، به این موضوع به عنوان یک دغدغه پرداخته‌اید؟

طیرانی: ببینید، من هر موقع سراغ متنمی، به خصوص در روان‌شناسی کودک، رفتم یا نظریه فلان دانشمند غربی را که ترجمه کردم، دیدم همان چیزی است که خودمان داریم. مثلاً همان نظریه را در یک شعر حافظ دیدم. من فکر می‌کنم ما در این زمینه خیلی کم مایه گذاشته‌ایم. یعنی آن قدر شیفته منابع غربی و روز دنیا شده‌ایم که اصلاً خودمان را ندیده‌ایم. من فکر می‌کنم که در این حیطه باید کار کنیم.

● شما به عنوان یک مدیر حوزه علوم انسانی خارج از وقت کاری، وقت برای علوم انسانی گذاشته‌اید؟

طیرانی: خیر. حداقل در این ۷-۸ سال اخیر، آن قدر گرفتار بودم، که وقت نگذاشته‌ام.

● بعد از خانواده‌ها و دانش‌آموزان می‌خواهید که وقت بگذارند و به علوم انسانی گرایش پیدا کنند؟

طیرانی: خیر. من هر کاری که در مدرسه خودم انجام داده‌ام، با این هدف بوده است که دانش‌آموزان را به سمت علوم انسانی سوق دهم. به جرئت می‌توانم بگویم چیزی در حدود ۱/۵ برابر وقتی که لازم است در مدرسه باشم، در مدرسه بوده‌ام. با همه پدر و مادرها و خود دانش‌آموزانی که سال پیش برای ثبت‌نام به مدرسه ما آمده بودند، در مورد کاربردهای علوم انسانی صحبت کرده‌ام.

هستند. یعنی ما فریفته عنوان مدرسه شما که نمونه دولتی است نمی‌شویم و می‌دانیم که دانش‌آموزانتان زرتنگ نیستند. شما در پایه دوم برای ما کلاس ندارید و کلاسهای معدودی در پایه اول دارید. از اینرو ما نمی‌توانیم در این رشته‌ها دبیران قوی جذب کنیم.

من امسال برای تأمین دبیر فیزیک برای پایه اول، به ۳۰ دبیر فیزیک زنگ زد که رقم کمی نیست.

● امکانات آموزشی شما چگونه است؟

صدقی: آن‌جا که توانسته‌ایم، همه امکانات را فراهم کرده‌ایم. یعنی همه کلاسهای ما به تخته هوشمند مجهز هستند، دانش‌آموزان رایانه دارند، و همه‌چیز امکانات آموزشی در کلاسها فراهم شده است. غیر از این که مثلاً در کتابخانه، کتابهای مرجع بسیاری داریم و از میان دبیران درسهای تاریخ، جغرافیا و ادبیات، سعی کرده‌ایم بهترین دبیران را جذب کنیم.

● فکر نمی‌کنید شما از آنهایی هستید که دوست ندارند عدالت آموزشی رعایت شود؟

صدقی: بله امکانات ما خیلی بالاست. سعی کرده‌ایم دبیران خوبی را جذب کنیم.

● عدالت آموزشی را در آموزش و پرورش شهرستان مشهد برای ما تعریف کنید؟

طیرانی: عدالت با مساوات فرق می‌کند. فرض کنید که تخته هوشمندی که از آن در مدرسه خانم صدقی استفاده می‌شود، در جای دیگری اصلاً قابلیت استفاده نداشته باشد. من فکر می‌کنم عدالت این است که بتوانیم از امکانات به شکلی شایسته استفاده کنیم.

به عبارت دیگر، عدالت یعنی این که به قول معروف بهترین امکانات را برای مناسب‌ترین جا انتخاب کنیم.

اگر در یک روستا، به یک روستایی که امکانات به روز آموزشی را ندیده باشد و نداند چیست، بگویم فلان امکان را بیاور، ممکن است برایش اهمیت نداشته باشد. اما من به عنوان مدیر مدرسه، اگر در منطقه برخوردار بگویم مثلاً کلاس من رایانه ندارد. شما به عنوان ولی، یک رایانه بیاور. فکر می‌کنم عدالت یعنی این که از بهترین امکانات در جای خودش استفاده کنیم.

● کتابهای آموزشی در حوزه علوم اجتماعی را چگونه می‌بینید؟ آیا می‌توانید از این کتابها با دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنید یا دبیرانی که زیر نظر شما هستند، می‌توانند با دانش‌آموزان خوب ارتباط برقرار کنند؟ آیا تا به حال کنترل کرده‌اید؟

طیرانی: من فکر می‌کنم در رشته به خصوص علوم اجتماعی، محتوای آموزشی ما غالباً از منابع کشورهای غربی گرفته شده است. ما خودمان باید بتوانیم محتوا تولید کنیم یا حداقل محتوای آموزشی را از کشورهای شرقی که مثل کشور خودمان مسلمان هستند،

● چرا در سایر آموزشگاهها، دانش‌آموزان به علوم انسانی گرایش پیدا نمی‌کنند، اما در آموزشگاههای خاص مثل آموزشگاهی که تحت نظر شما یا خانم صدقی است، دانش‌آموزان به علوم انسانی گرایش پیدا می‌کنند؟

طیرانی: عرض کردم، این گرایشی که در مدرسه ما و امثال مدرسه ما وجود دارد ناشی از یک سلسله اقداماتی است که ما انجام می‌دهیم. درحقیقت ما می‌کوشیم آن کاستیهایی را که در این زمینه در جامعه وجود دارد، جبران کنیم و قابلیت‌های رشته علوم انسانی را روشن سازیم. برای مثال، جلسات یا همایشهای شب شعر، مشاعره و بحث اجتماعی برگزار می‌کنیم. ما استاد‌های خوبی داریم که بدون شک در ترغیب بچه‌ها به رشته علوم انسانی بی‌تأثیر نیستند.

● **دغدغه‌های شما چیست؟**

صدقی: من فکر می‌کنم رشته علوم انسانی اصلاً شناخته شده نیست. پسر من دانشجوی عمران دانشگاه امیرکبیر بود و در مدرسه تیزهوشان هم درس خوانده بود. بعد او با تعدادی از دانشجویان رشته‌های فلسفه و ادبیات از دانشگاه دیگری آشنا شده بود. او در همین رشته عمران در فوق لیسانس رتبه هشت را به دست آورد، اما رشته جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس را انتخاب کرد. الان هم کتابهای رمان می‌نویسد و کتابهای درس ادبیات و کتابهای فلسفه را کاملاً خوانده است.

او چه لذتی می‌برد، وقتی کتابهای فلسفی را می‌خواند. دانش‌آموزان رشته‌های ریاضی یا تجربی ما اصلاً با این موارد آشنا نیستند. پسر من وقتی رمانهای قشنگ را می‌خواند، خیلی لذت می‌برد. او می‌گفت: من در عمران چه می‌خواهم پیدا کنم.

● **یعنی دانش‌آموزان رشته‌های دیگر با علوم انسانی خیلی بیگانه‌اند؟**

صدقی: بله، خیلی بیگانه هستند. به نظر من، کار درستی نکرده‌ایم که دانش‌آموزان رشته‌های انسانی را از سایر دانش‌آموزان جدا کرده‌ایم. در مدرسه قبلی من، وقتی یکی از بچه‌های انسانی که شاعر بود، سر صف می‌آمد و شعر می‌خواند، واقعاً بچه‌های ریاضی و تجربی ما لذت می‌بردند. وقتی داستانی را که نوشته بود می‌خواند یا متن قشنگی را با احساس برای دانش‌آموزان می‌خواند، همه لذت می‌بردند. در آن سالها، دانش‌آموزان زنگ آن مدرسه رشته انسانی را انتخاب کردند.

● **شما به عنوان مدیر بخشی از آموزشگاه علوم انسانی، آیا تا به حال به صورت میدانی به مناطق محروم رفته‌اید تا از نزدیک وضعیت دانش‌آموزان علوم انسانی، ریاضی-فیزیک و تجربی را مشاهده کنید؟ یا نه فقط به همین بچه‌های حاضر در مدرسه خودتان با خدمات ویژه فکر می‌کنید؟**

صدقی: خیر. من ۱۰ سال در یک مدرسه محروم کار کرده‌ام. الان هم در مدرسه خودمان ۴۰ تا ۵۰ درصد دانش‌آموزان از مناطق محروم و از لحاظ اقتصادی پایین هستند، ولی دانش‌آموزان زرنگی محسوب می‌شوند.

● **خارج از مسئولیت کاری‌تان، آیا برای شناساندن جنبه‌های پژوهشی علوم انسانی کاری کرده‌اید؟**

صدقی: من در رابطه با رشته علوم انسانی و تاریخ تشیع کار می‌کردم که به تازگی به پایان رسید. تا می‌توانستم، مطالب خوبی را از همین مطالبی که در دانشگاه می‌خواندم، به بچه‌ها انتقال می‌دادم. حتی زمانی که بچه‌ها را به اردو می‌بردیم، در هر منطقه‌ای کل شناسنامه آن جا و مثلاً این که شهر قم چه طور به وجود آمده یا کاشان در گذشته چه طور بوده است را برای آنها شرح می‌دادم.

● **آیا شما بر کتابهایی که در آموزشگاه تدریس می‌شوند، احاطه دارید؟**

صدقی: به کتابهایی مانند تاریخ، جغرافی، بعضی از کتابهای ادبیات و درسهای رشته ریاضی-چون رشته خودم بوده است، و کتابهای جامعه‌شناسی، به علت علاقه شخصی به آنها، احاطه دارم.

● **آیا بچه‌ها را نقدکننده و پرسشگر بار می‌آورید، یا نه؟ آیا در این مسیر کار می‌کنید؟**

صدقی: واقعاً اگر بچه‌ها را این گونه تربیت کنیم، آنها در آینده می‌توانند در مقابل هر آنچه که پیش می‌آید، سؤال داشته باشند. من خیلی دلم می‌خواهد این گونه کار کنم. برای مثال، دیروز که برنامه روز معلم را داشتیم، یکی از بچه‌ها ویژگیهای معلمی را می‌گفت و بقیه باید آن معلم را معرفی می‌کردند. مثلاً یکی از دانش‌آموزان می‌گفت: «اون کیه که سر صف با صحبت‌هایش ما یخ می‌کنیم؟» یعنی حوصله‌مان سر می‌رود.

● **چه باید بکنیم که وقتی بنده یا شما یا یکی دیگر از دوستان، به عنوان کسی که فلسفه یا تاریخ خوانده است، در حوزه مسائل تاریخی و فلسفی دارد اظهار نظر می‌کند، و شخصی دیگری که پزشک است، نظری مقابل نظر او دارد، به صرف این که پزشک است، جامعه نگوید آن دکتر چنین نظری دارد، شما چه می‌گویید؟**

طیرانی: خب راه حل همه مشکلاتی که در جامعه وجود دارد، در اختیار مدارس و امثال ما نیست. این برمی‌گردد به فضای بیرون از مدرسه. بچه‌ها درصد کمی از آموخته‌هایشان را در مدرسه یاد می‌گیرند. یعنی هر قدر دنیا به سمت تمدن پیش می‌رود، آموزشها بیشتر مجازی می‌شوند و درصد کمتری از محتوایی که به دانش‌آموز منتقل می‌شود، به مدرسه تعلق دارد. غالباً دنیای بیرون مدرسه بیشترین آموزش را به بچه‌ها می‌دهد. فرض کنید تا ۳۰ سال قبل، هر چه دانش‌آموز می‌آموخت، از معلم و پدر و مادرش بود. اما هر چه جلوتر می‌رویم، از این نسبت سهم

پدر و مادر در درجه اول و به دنبال آن سهم مدرسه کم می‌شود. ما اگر بخواهیم برای حل این مشکل کاری نکنیم، باید محتوای مطلوب را در ظرفهای جدید ارائه دهیم؛ یعنی از طریق شیوه‌های آموزشی نوین پیش برویم تا بچه آن‌چه را که ما می‌خواهیم، یاد بگیرد. گذشته از این، ما باید در رفتارهای آموزشی‌مان، تعارضها را از بین ببریم یا حداقل کم کنیم. در تدریس دینی، قرآن، فلسفه یا تاریخ، هر قدر معلمان توانایی استفاده از امکانات آموزشی به‌روز را بیشتر داشته باشند و استفاده از فناوری آموزشی بهتر بلد باشند، موفق‌تر خواهند بود. مثلاً معلمی در کلاس یک رایانه دارد و نمی‌تواند از آن استفاده کند. او از نظر بچه‌ها مردود است، چرا که بچه‌ها در این زمینه خیلی جلو هستند. بنابراین، تعارضات آموزشی را باید کم کنیم. ما در آموزه‌های دینی و فرهنگی داریم که: کم‌گویی و گزیده‌گویی چون در. ولی از آن طرف مثلاً تلویزیون تبلیغ می‌کند که فلان سیم‌کارت تلفن همراه را بخرید و ۶-۵ ساعت صحبت کنید تا تمام شود و این قدر جایزه بگیرید.

● نظر شما در مورد سؤالی که از آقای طبرانی کردم، چیست؟

صدقی: بله، چون پزشکی، دندان‌پزشکی و مهندسی نسبت به دکترای فلسفه یا تاریخ و جهت اجتماعی بالاتری دارند. ولی فکر می‌کنم کسی که می‌خواهد در مورد تاریخ صحبت کند البته نباید توقع داشته باشد کسی که دکترای تاریخ دارد، حتماً اطلاعاتش جامع‌تر و کامل‌تر باشد.

● خانم صدقی، شما چه کرده‌اید که این نگاه در بخش خودتان حداقل قدری تعدیل شود؟

صدقی: ما الان از دانشجویان خودمان که مثلاً دارند دکترای ادبیات می‌گیرند، دعوت می‌کنیم به مدرسه بیایند و برای بچه‌ها صحبت کنند. وقتی بچه‌ها چنین کسانی را می‌بینند که از همین مدرسه بالا آمده‌اند، و می‌بینند که چه قدر در جامعه رشد کرده‌اند و به کجاها رسیده‌اند، دورشان جمع می‌شوند و به حرفهای آنها به‌دقت گوش می‌دهند. مثلاً بچه‌ها خیلی علاقه‌مند بودند بدانند که آنها چه کتابها یا مقاله‌هایی نوشته‌اند.

● دروس علوم انسانی حاضر را، از نظر محتوا گرایش دینی و اسلامی، چگونه می‌بینید؟

صدقی: فکر می‌کنم نویسندگان در حد توانشان کتابها را تغییر داده‌اند. من کتابهای درسی را خیلی می‌خوانم. گاهی اگر ما نظریات غربی را نگوئیم، بچه‌ها دیگر گوش نمی‌دهند.

● نظر شما چیست آقای طبرانی؟

طبرانی: من فکر می‌کنم این تغییراتی که گفتند صورت گرفته‌اند، ولی به رشته‌های خودمان به‌صورت مستقیم اشاره نکرده‌اند. من مخالف این نیستم که مثلاً در نظریه‌پردازی

علوم انسانی، نظرات مختلف را بگوئیم، اما چرا در کتاب جامعه‌شناسی نظرات جامعه‌شناسی شهید مطهری و کسانی که در زمینه‌های علوم انسانی یا علوم اجتماعی کار کرده‌اند، کمتر دیده می‌شود.

خیلی از نظرات جامعه‌شناسان غربی قابل تأمل هستند. ما باید آنها را بشناسیم، ولی به داشته‌های خودمان هم باید بپردازیم. به عبارت دیگر، قبل از این که دانش‌آموز ما با محتوای ذهنی آنها آشنا شود، خودش باید نظراتی داشته باشد. بنابراین، علی‌رغم تغییراتی که صورت گرفته‌اند، در این زمینه کمتر کار شده است.

● خانم صدقی آخرین حرفهای خود را بفرمایید؟

صدقی: من فکر می‌کنم اگر بچه‌ها را هم‌سطح کنیم، یعنی چه مدرسی به‌عنوان «تیزهوشان» یا «فرهنگ» نداشته باشیم و بچه‌ها همه مثل هم و در کنار هم باشند و ما روی دانش‌آموزان رشته‌های علوم انسانی در کنار رشته‌های تجربی و ریاضی در مدارس کار کنیم، بهتر می‌توانیم عمل کنیم.

● آقای طبرانی آخرین حرفهای خود را بفرمایید.

طبرانی: من فکر می‌کنم، آن‌چه را که خانم صدقی می‌فرمایند، قبلاً تجربه کرده‌ایم و حداقل در مورد رشته علوم انسانی نتیجه خوبی نداده است.

الان در مدارسی که دانش‌آموزان رشته‌های علوم انسانی، ریاضی و تجربی در کنار هم هستند، غالباً دانش‌آموزانی به رشته انسانی می‌آیند که نمی‌توانند به رشته تجربی یا ریاضی بروند. برای این که چنین اتفاقی نیفتد، بیایم امتیازاتی برای رشته علوم انسانی قائل شویم؛ مثل کلاسهای فوق برنامه، استاد بهتر یا شهریه کمتر در مدارسی که شهریه دارند، تا بچه‌هایی که قابل هستند، رغبت بیشتری به رشته انسانی داشته باشند.

صدقی: ما اگر رشته انسانی را به بچه‌ها زیبا و قشنگ معرفی کنیم، بچه‌ها علاقه‌مند می‌شوند. شما ببینید چه بودجه‌ای به مدارس فرهنگ اختصاص پیدا می‌کند. اصلاً قابل مقایسه با مدارس دولتی نیست.

طبرانی: یک وقت یکی از همکاران خوب ما در یک اردو به من گفت: ببین، هر چه تو به بچه‌ها می‌گویی آنها گوش می‌دهند، ولی اگر من فقط بگویم بشین، ناراحت می‌شوند. من به او گفتم: خطت خراب است. برو خطت را درست کن. یعنی وقتی بچه‌ها خط او را می‌دیدند، به حرفش گوش نمی‌کردند. حالا اگر شما بخواهید دانش‌آموز به رشته علوم انسانی بیاید، اول باید حرف را بشنود و بعد جذب شود.

من فکر می‌کنم، اگر برای رشته علوم انسانی امکانات و آینده بهتری در نظر بگیریم، وضع موجود تغییر می‌کند.